

مقدمه

یکی از جنجالی‌ترین موضوعات در عالم پزشکی در دهه‌های اخیر در سطح جهانی، موضوع «باروری و بارداری مصنوعی» است که اندیشمندان را به بحث و تبادل نظر در جنبه‌های مختلف خود واداشته است.

جنبه فقهی و حقوقی باروری و بارداری مصنوعی دارای پیچیدگی خاص خود می‌باشد. چه بسا تولد کودکی از طریق روش‌های کمکی تولیدمثل، اسباب تحکیم خانواده را فراهم کرده و تیرگی روابط ناشی از ناباروری را به روشنایی محبت مبدل سازد. لذا ضرورت دارد با توجه به اهمیت موضوع، از دیدگاه فقهی، این روشهای نوین در تولید مثل مورد بررسی قرار گیرد و احکام متناسب با هر شیوه ارائه گردد.

این تحقیق در پی آن است که با استناد به آیات کریمه‌ی قرآن، احادیث نبوی (ص) و ائمه اطهار_علیهم السلام_ دیدگاه و برداشت مراجع عظام از منابع فقهی و در مواردی اصول عملیه^۱، حکم فقهی موضوع را از دیدگاه فقهای شیعه بیان داشته و برخی از آثار فقهی و حقوقی این روش‌ها را مورد بررسی قرار دهد. لذا ما با کمک و راهنمایی استاد راهنما این نوشتار را در هشت فصل تدوین کردیم که فصل آخر ضmann و بقیه فصول به شرح ذیل می‌باشد:

الف) فصل اول، کلیات تحقیق بوده و شامل بیان مسأله، تاریخچه‌ی موضوع، ضرورت، اهداف و اهمیت موضوع، پرسش‌های تحقیق، روش تحقیق، مروری بر تحقیقات گذشته، تعریف اصطلاحات و بیان مفاهیم می‌شود.

ب) در فصل دوم، تلقیح مصنوعی با اسپرم شوهر مورد بررسی قرار می‌گیرد که ابتدا به دیدگاه کلی امامیه در مورد تکثیر نسل و حکم اولی در این مسئله می‌پردازد و سپس دلایل روی آوردن به این شیوه‌ی مصنوعی از تولیدمثل بیان می‌شود. در ادامه از دیدگاه قرآن و

۱. اصول عملیه اصولی است که، مجتهد در حالت شك نسبت به حکم واقعی از آنها استفاده می‌کند و حکم ظاهری را استخراج می‌نماید که به آن دلیل فقهاتی هم می‌گویند و عبارت‌اند از: برائت، تخییر، احتیاط و استصحاب.

دیگر منابع استنباط احکام، به جواز یا عدم جواز موضوع پرداخته می‌شود. در خاتمه‌ی فصل اوّل با توجه به ضرورت مسأله‌ی وجوب ستر عورت از اجنبی که در همه فصول کاربرد دارد، این موضوع بررسی می‌گردد و نهایتاً آثار فقهی و حقوقی این نوع تلقیح-که در همه فصل‌ها مشترک است- آورده می‌شود.

ج) در فصل سوّم تلقیح مصنوعی با دخالت عامل بیگانه در دو مبحث تلقیح با اسپرم بیگانه و تلقیح با تخمک بیگانه بررسی می‌گردد. در این فصل، از اقوال مفسّرین قرآن در فهم آیات مربوط به موضوع کمک گرفته شده و قبل از ورود به بحث آثار این نوع تلقیح، شیوه‌های جدیدی از تلقیح با دخالت عامل بیگانه، مثل کمک گرفتن از حیوانات و نباتات برای تلقیح، به صورت مختصر بیان می‌گردند. از شاخصهای متمایز این فصل بحث امومت است که مفصلاً به آن پرداخته شده است.

د) در فصل چهارم موضوع کودکان آزمایشگاهی و احکام و آثار آن بررسی می‌شود.
ه) در فصل پنجم بحث انتقال جنین و رحم اجاره‌ای (جایگزین) و آثار و احکام آن بررسی می‌گردد.

و) در فصل ششم بحث شبیه‌سازی مطرح می‌گردد. ورود به این بحث در موضوع باروری و بارداری مصنوعی متعارف نبوده و معمولاً به صورت مجزا از آن نام برده می‌شود؛ ولی از آنجا که شبیه‌سازی هم نوعی باردار کردن به شیوه‌ی غیرطبیعی محسوب می‌گردد ما یک فصل از تحقیق را به آن اختصاص داده‌ایم.

ز) در فصل هفتم یک نتیجه‌گیری کلی از آنچه در تحقیق آمده، گرفته شده است. هر چند که در پایان هر فصل نتیجه مشخص است و پیشنهادهای ارائه می‌گردد، امید است که مفید واقع گردد.

فصل اوّل

کلیات تحقیق

مبحث نخست: بیان مسأله

مبحث دوّم: تاریخچه‌ی موضوع

مبحث سوّم: ضرورت اهداف و اهمیّت موضوع

مبحث چهارم: پرسش‌های تحقیق ، فرضیه‌ها

مبحث پنجم: روش تحقیق

مبحث ششم: مروری بر تحقیقات گذشته

مبحث هفتم: تعریف اصطلاحات و بیان مفاهیم

مبحث نخست: بیان مسأله

باروری و بارداری مصنوعی در متون فقهی با نام «التلقيح الصناعي» آورده شده است. لذا ضروری است که از نظر لغوی و اصطلاحی این موضوع تبیین گردد. تلقيح از باب تفعیل و از ریشه لَقَحَ، به معنای آبستن کردن است و لَقَحَ، به معنای آبستن شدن جنس مؤنث می‌باشد.^۱ «لَقِحَتِ النَّاقَةُ او المَرأةَ ، ای قَبِلَتْ اللِّقَاحَ او حَمَلَتْ».^۲ استعمال کلمه‌ی لَقَحَ در مورد انسان، حیوان و گیاه^۳ و حتی در مورد ابر کاربرد دارد.

در مورد استعمال کلمه لَقَحَ در قرآن کریم درباره ابر می‌توان به این آیه از قرآن استناد کرد:

«وَأَرْسَلْنَا الرِّيحَ لَوَاقِحَ فَنَزَّلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَسْقَيْنَاكُمُوهُ وَمَا أَنْتُمْ لَهُ بِخَازِنِينَ».^۴

مفهوم اصطلاحی تلقيح مصنوعی نزدیک به معنی لغوی و عبارت است از: آبستن کردن زن با وسایل کمکی تولید مثل بدون نزدیکی. به عبارت دیگر تلقيح مصنوعی یعنی اینکه به وسیله‌ی روشهای کمکی تولیدمثل در علوم پزشکی زمینه‌ی باروری تخمک زن را با استفاده از اسپرم مرد فراهم نموده که در نتیجه‌ی امتزاج اسپرم و تخمک یک جنین تشکیل شود.^۵ ما در این نوشتار به گونه‌های مختلف بارورکردن و باردارکردن با روشهای پزشکی را از دیدگاه فقهای امامیه مورد بررسی قرار می‌دهیم و آثار و احکامی را که در این شیوه‌های جدید تولید مثل در مورد آنها بین فقها اختلاف نظر وجود دارد و حکم فقهی آنها را مورد مذاقه قرار خواهیم داد.

۱. الفَحُّ الفَحْلُ النَّاقَةُ القَاحَا ، ای اَحْبَلَهَا فَلَقِحَتْ بِالوَلَدِ (سعید الخوری ، شرتونی ، اقرب‌الموارد ، چاپ اول ، دارالکتب الاسلامیه ،

تهران ، [بی‌تا] ، ج ۲ ، ص ۱۵۳).

۲. لویس معلوف ، المنجد ، چاپ سیام ، منشورات دارالمشرق ، بیروت ، ۱۹۹۸ ، ص ۷۲۸.

۳. «تلقیح النخل: وهو وضع طلع الذكر في طلع الانثی اول ما ینشق» (شیخ فخرالدین الطریحی ، مجمع‌البحرین ، چهار جلدی ، چاپ دوم ، مکتب النشر الثقافه الاسلامیه ، ۱۴۰۸).

۴. سوره حجر ، آیه ۱.

۵. ر.ک: عباس نایب‌زاده ، بررسی حقوقی روشهای نوین باروری مصنوعی ، چاپ اول ، انتشارات مجد ، تهران ، ۱۳۸۰ ه.ش ، ص ۹.

مبحث دوم: تاریخچه‌ی موضوع

تلقیح مصنوعی در ابتدا برای اصلاح نژاد یا تکثیر نسل حیوانات مورد استفاده قرار گرفت و اولین آزمایش را در این مورد یک دانشمند آلمانی به نام (Ludwig Jacob) در سال ۱۷۶۵ میلادی روی ماهی‌ها انجام داد. در نیمه‌ی اول قرن نوزدهم تلقیح مصنوعی روی مادیان و گاو و گوسفندان انجام شد و نتیجه مثبت حاصل گردید. در اواخر قرن نوزدهم یکی از دانشمندان روسی به نام (Elie Ivenoff) تلقیح مصنوعی را در چهارپایان با متدی خاص معمول ساخت که بعدها آن روش به طور گسترده مورد عمل قرار گرفت. با پیشرفت صنایع و فنون، دامنه‌ی تلقیح مصنوعی به انسان نیز سرایت نمود. تکنیک‌های جدید تلقیح مصنوعی در امر توالد موجود انسانی به کار گرفته شد و دنباله آزمایشها روی انسان انجام گرفت. یک پزشک انگلیسی در سال (۱۷۹۹) گزارشی در این زمینه به دولت انگلستان داده است. یکی از پزشکان فرانسوی در سال (۱۸۶۸) میلادی طی گزارش خود خاطر نشان ساخته است که در فرانسه ده مورد تلقیح مصنوعی روی زنها انجام شده و قدیمی‌ترین آنها را مربوط به سال (۱۸۳۸) دانسته است.^۱

در ایالات متحده آمریکا دکتر (Marion sins) اولین آزمایش خود را در سال (۱۸۶۸) میلادی در بیمارستان زنان نیویورک سیتی به مرحله‌ی اجرا درآورد. ده سال بعد یکی از دانشمندان فرانسوی به نام (Jo Gerard) گزارش داد، از بین (۷۲) زنی که تلقیح مصنوعی شده‌اند، ۴۱ نفر از آنان پاسخ مثبت داده و بارور گردیده‌اند. از سال (۱۹۱۴) به بعد، تقریباً موضوع تلقیح مصنوعی کاملاً توجه علماء و پزشکان را به خود جلب کرد. در همین سال یکی از پزشکان انگلیسی مقیم مصر موسوم به دکتر جامیسون شنیده بود که در میان بدویان طریقه‌ای برای معالجه زنان عقیم وجود دارد که گاه منجر به آبستن شدن زنان می‌شود و گاهی اینگونه زنان می‌میرند. این امر، نظر پزشک انگلیسی را به خود جلب کرد و در اثر بررسی‌های فراوان، دریافت که زنان بدوی به قطعه‌ای از پشم حیوانات نظیر گوسفند افسون می‌خوانند و آن را به زن نازا می‌دهند تا به رحم خود بمالد و معتقد بودند که زن با این روش حامله خواهد شد یا خواهد مرد. این مطلب سبب شد که پزشک انگلیسی تحقیقات

۱. اسدالله امامی، مطالعه تطبیقی نسب در حقوق ایران و فرانسه، چاپ اول، موسسه حقوق تطبیقی، تهران، ۱۳۴۹ ش، ص ۳۵۶.

عمیق‌تری انجام دهد و سرانجام دریافت که زنان بدوی پشم را به نطفه مردان آغشته کرده و سپس آن را به زن عقیم می‌دهند تا آن را استعمال نماید. علاوه بر نطفه مقدار زیادی از میکروب‌های موجود در پشم وارد رحم زن می‌گردید و اگر آن زن دارای بنیه‌ی قوی می‌بود، در مقابل میکروب‌ها مقاومت می‌کرد و آلا از پا درمی‌آمد و می‌مرد.

دکتر جامیسون پس از خاتمه جنگ جهانی اول به انگلستان مراجعت کرد و به خاطر او چنین رسید که به وسیله‌ی تلقیح مصنوعی و از راه صحیح علمی، کار صحرانشینان و جادوگران را به نتیجه برساند و با تکنیک موجود، تلقیح مصنوعی زنان را انجام دهد و هزاران زن را که آرزوی مادر شدن داشتند، بارور کند و به وسیله‌ی آلات مصنوعی و لوله آزمایش نطفه مرد را به رحم زن منتقل نماید تا به این وسیله خانواده‌های فراوانی را که در اثر نداشتن فرزند تهدید به متلاشی شدن می‌گردیدند، نجات دهد. او در این مرحله گاهی هم به علت بی‌ثمر بودن اسپرم شوهر، از نطفه مردان بیگانه استفاده می‌کرد.

رواج تلقیح مصنوعی در انگلستان و هجوم زنان بی‌فرزند به بیمارستان‌های لندن موجب شد که موضوع تلقیح مصنوعی در بین عوام انگلستان مطرح و وزیر بهداشتی استیضاح، و دولت تخطئه گردد. مخالفت مجلس بر این اساس بود که چرا توالد این گونه افراد مانند اطفال قانونی و طبیعی و شرعی به ثبت می‌رسد و شناسنامه برای آنان صادر می‌شود. با وجود اعتراضات مذکور، از تلقیح مصنوعی جلوگیری نشده و امروز در انگلستان اطفال ناشی از تلقیح مصنوعی به طور چشمگیر مشاهده می‌گردند.^۱

در ایران سال (۱۳۶۸) اولین مرکز باروری و ناباروری در یزد شروع بکارکرد. در سال (۱۳۷۷) اولین سمپوزیوم وضعیت فقهی و حقوقی انتقال جنین در تهران برگزار شد و مقالات فقهی خوبی به این سمپوزیوم ارائه گردید.

در سال (۱۳۷۹) طرحی تحت عنوان (نحوه اهداء جنین به زوجین نابارور) تنظیم شد و در سال (۱۳۸۰) کلیات آن در مجلس تصویب گردید ولی شورای نگهبان آن را رد کرد. این طرح بالاخره در تاریخ ۱۳۸۲/۵/۸ به تصویب شورای نگهبان رسید.

۱. محمد هاشم صمدی اهری، نسب ناشی از لقاح مصنوعی در ایران و اسلام، چاپ اول، انتشارات گنج دانش، تهران، ۱۳۸۲.

مبحث سوّم: ضرورت اهداف، و اهمیّت موضوع

امکان تلقیح مصنوعی، امروزه برای جامعه‌ی پزشکی مسلمان نیز میسر است، لذا ابهام در وضعیت فقهی و حقوقی طفل متولد از تلقیح مصنوعی و شبیه‌سازی باید هر چه سریعتر برطرف گردد و دین مبین اسلام و مذهب تشیع بتواند جوابگوی سؤالات و تکالیف حقوقی متأثر از تلقیح و شبیه‌سازی باشد. فقه و حقوق باید همگام با مسائل نوظهور، قدم بردارد. ضرورت انجام چنین تحقیقاتی به خوبی احساس می‌شود تا احکام مسائل نوین و مستحدثه از منابع فقهی بدست آید. بنابر آنچه گفته شد، یافتن حکم فقهی متناسب با هر شیوه از تلقیح مصنوعی، بیان نظرهای مختلف در هر شیوه، برشمردن برخی از آثار حقوقی متأثر از هر شیوه و پاسخ به پاره‌ای از ابهامات در هر شیوه، می‌تواند از اهداف مهم این تحقیق به شمار آید. در رابطه با اهمیّت موضوع، باید گفت که اگر رابطه‌ی زناشویی به یکی از اهداف مهم خود یعنی تولیدنسل منتهی نشود، کانون خانواده سرد خواهد شد و احتمال دارد که به جدایی و طلاق کشیده شود. یکی از روشهای جلوگیری از چنین واقعیتی تلخی، باروری‌های پزشکی مصنوعی است که این تحقیق در پی بررسی آن است. نسل و فرزند، نعمت خداوند به بندگان و نیاز ضروری انسان است که شرع اسلام هم بر آن تأکید بسیار داشته است. لذا درمان نازایی محذوری ندارد. و برای حل مشکل عقیمی و نازایی بایستی موانع بارداری مصنوعی را مورد توجه قرار داد. و با توجه به اینکه بهبود نسل و جلوگیری از بیماری‌های ژنتیکی نیز می‌تواند از اهداف تلقیح مصنوعی باشد لذا ما در پی بررسی این موانع هستیم. نکته‌ای که اهمیّت بررسی شیوه‌های مختلف تلقیح را دوچندان می‌کند، این است که این نوع باروری‌ها، برخی از مشکلات موجود در فرزندخواندگی را ندارد؛ چرا که

ممکن است فرزند خوانده از نظر جنسی، روحی و اخلاقی موافق ذوق و سلیقه پذیرنده نباشد.^۱

مبحث چهارم: پرسشهای تحقیق، فرضیه‌ها

گفتار اول: پرسشهای تحقیق

۱. آیا تولید نسل منوط به زوجیت است یا خیر؟
۲. تلقیح مصنوعی اسپرم و تخمک زوجین در داخل رحم و خارج از رحم جایز است یا خیر؟
۳. تلقیح مصنوعی با اسپرم یا تخمک بیگانه جایز است یا خیر؟
۴. حکم کودکان آزمایشگاهی از نظر فقهی چیست؟
۵. شبیه‌سازی از نظر فقه تشیع چه حکمی دارد؟
۶. فرزند ناشی از تلقیح مصنوعی و شبیه‌سازی به چه کسی یا به چه کسانی ملحق است؟
۷. آیا استفاده از رحم اجاره‌ای در تلقیح مصنوعی جایز است؟ و در هر صورت فرزند چه نسبتی با صاحب رحم و صاحب تخمک و اسپرم دارد؟
۸. آیا حقوق و تکالیف فرزندان ناشی از بارداری مصنوعی و شبیه‌سازی و همچنین حقوق پدر و مادر این کودکان، متفاوت از حقوق و تکالیف آنها در تولیدمثل طبیعی است؟
۹. ملاک مادر بودن چیست؟ حمل و زاییدن فرزند یا صاحب تخمک بودن؟
۱۰. اخذ اسپرم یا تخمک از گیاهان و حیوانات، (در صورت امکان) برای تکثیر نسل جایز است یا خیر؟
۱۱. باروری با اسپرم منجمد شوهر پس از مرگ یا طلاق جایز است یا خیر؟

۱. ر.ک: اسدالله امامی، پیشین، ص ۳۶۸.

گفتار دوم: فرضیه های تحقیق

۱. باروریهای مصنوعی فی حد نفسه جایز است تا زمانی که در انجام آن مرتکب حرام نشویم و باعث خلط نسبها نشود.
۲. تولید نسل منوط به وجود رابطه‌ی زوجیت می‌باشد.
۳. تولید نسل در لوله آزمایش و در خارج از رحم جایز است.
۴. شبیه‌سازی در فقه تشیع جایز است ولی با محدودیت‌هایی همراه است.
۵. فرزند متعلق است به صاحبان اسپرم و تخمک و در شبیه‌سازی هم به صاحب سلول جسمی و صاحب تخمک.
۶. فرزند ناشی از رحم اجاره‌ای هم با صاحب تخمک محرم است و هم با صاحب رحم.
۷. با مراجعه به اصول، می‌شود احکام فرزندان ناشی از باروری مصنوعی و شبیه‌سازی را یافت.
۸. ملاک مادر بودن هم زاییدن و در رحم پرورش دادن است و هم صاحب تخمک بودن و به عبارت دیگر هر دو مادرند.
۹. اخذ اسپرم و تخمک از حیوانات و گیاهان جایز نیست.
۱۰. باروری با اسپرم منجمد شوهر پس از مرگ و بعد از طلاق جایز نیست.

مبحث پنجم: روش تحقیق

روش تحقیق، توصیفی-تحلیلی و به صورت کتابخانه‌ای است. در تهیه و گردآوری تحقیق، شیوه‌ی تحقیق، همان شیوه‌ی متداول در استنباط و بررسی ادله شرعی است که برای هر موضوع، مستندات ارائه می‌گردد و به تجزیه و تحلیل بحث پرداخته می‌شود. در تبیین موضوع از دیدگاه اکثر مراجع شیعه و در مواردی اندک از فقهاء اهل سنت بهره خواهیم برد. پس از آن آثار و احکام مترتب بر آن قسم از موضوع آورده می‌شود.

مبحث ششم: مروری بر تحقیقات گذشته

در رابطه با باروری‌های پزشکی، تحقیقات حقوقی دامنه‌داری در کشورهای دارای دانش پیشرفته پزشکی و امکانات پزشکی مدرن از جمله آمریکا، انگلستان، فرانسه، کانادا، استرالیا و کشورهای دیگر، صورت گرفته که بعضاً موجب تصویب قوانینی در آن کشورها شده است. در کشورهای اسلامی تحقیقات گسترده‌ای در این زمینه صورت نگرفته است. تحقیقات فقهی و حقوقی در این زمینه تاکنون نتوانسته جوابگوی پرسشهای بسیار زیاد در این حوزه باشد. در ایران برای اولین بار آقای حسین کاظم زاده پایان‌نامه دوره کارشناسی خویش را در سال (۱۳۲۶) در دانشگاه تهران به این موضوع تحت عنوان جنبه حقوقی لقاح مصنوعی اختصاص داد؛ بعداً دکتر مهدی شهیدی در سال (۱۳۴۵) مقاله‌ای تحت عنوان تلقیح مصنوعی انسان تألیف و منتشر نمود و بعد از آن در سال (۱۳۴۹) دکتر اسدالله امامی نسب ناشی از لقاح مصنوعی را با دیدگاه تطبیقی در فقه و حقوق فرانسه و ایران مطرح کردند. بعد از آن چندین مقاله توسط آقایان محسن حرم‌پناهی، محمد مؤمن، محمد یزدی، مهدی شهیدی، حسین مهرپرور، ناصر کاتوزیان، محمد امامی و تنی چند از محققین نوشته شد. تعداد محدودی رساله و پایان‌نامه‌ی دانشجویی نیز تدوین گردید که می‌توان به پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد دکتر عباس نایب‌زاده اشاره کرد. از دیگر آثار می‌شود به کتاب باروری‌های پزشکی از دیدگاه فقه و حقوق اثر محمدرضا رضانیا معلّم اشاره کرد که نسبت به بقیه آثار از نظر موضوعی با آنچه ما در پی آنیم نزدیکتر است. به هر حال از بین کلیه مقالات و کتب و پایان‌نامه‌ها نمی‌شود اثری پیدا کرد که در بردارنده آراء فقهاء شیعه در همه‌ی اقسام باروری‌های پزشکی باشد و این امر مزید بر علت شد که ما در تحقیق حاضر به دنبال چنین اثری باشیم.

مبحث هفتم: تعریف اصطلاحات و بیان مفاهیم

مهمترین اصطلاحات در بحث حاضر به همراه تعریف اختصاری آنها عبارتند از:
اووم (Ovum, Ovule): تخمک بالغ.

اپی دیدیم (Epididymis): اندام طویل و هلالی شکلی است که در سطح پشتی بیضه، امتداد یافته است. این اندام در انسان حاوی حدود ۶ مترکانال پیچ و تاب خورده‌ی ظریفی است که نقش انتقال، بلوغ و ذخیره اسپرم را قبل از انزال برعهده دارد.

رویوان (Embryo): واژه‌ای است که برای توصیف مراحل اولیه‌ی رشد جنین به‌کار می‌رود و از مرحله‌ی شروع تقسیم سلولی تا هفته‌ی هشتم حاملگی جنین را، شامل می‌شود. اهداء تخمک (Oocyte donation): تحریک تخمک‌گذاری و برداشت تخمک از یک فرد، برای باروری و انتقال به داخل رحم فردی دیگر است.

تخمندان (Ovary): غده‌ی جنسی در زنان است که دارای دو عملکرد تولیدمثلی شامل آزادسازی تخمک به‌طور ماهانه و تولید هورمونهای جنسی زنانه می‌شود. تخمک‌گذاری (Ovulation): آزاد شدن یک تخمک بالغ، از سطح تخمدان است. زیگوت (Zygote): سلول حاصل از لقاح تخمک و اسپرم قبل از شروع تقسیمات آن است.

گامت (Gamete): سلول جنسی رسیده و آماده‌ی تلقیح نر یا ماده. جنین (Fetus): واژه‌ای است که برای توصیف جنین در حال رشد در داخل رحم از هفته‌ی نهم تا پایان حاملگی بکار می‌رود.

لقاح (Fertilization): عبارت است از نفوذ یک اسپرم به داخل تخمک بالغ و ادغام مواد ژنتیکی این دو سلول جنسی، برای تشکیل زیگوت.

لقاح خارج رحم (Ivf): یکی از روشهای درمان ناباوری است، که در آن تخمک بالغ به طریقه‌ی جراحی از تخمدان برداشته می‌شود و در محیط آزمایشگاه در مجاورت اسپرم لقاح می‌یابد. جنین حاصل در مرحله‌ی ۸ سلولی یا پیشرفته‌تر، مجدداً به رحم مادر، منتقل می‌گردد.

ناباروری (Infertility): عدم توانایی یک زوج برای بچه‌دار شدن در طول یک سال اولیه‌ی زندگی مشترک در صورتی است که بدون استفاده از روشهای جلوگیری برای حاملگی و بچه‌دار شدن تلاش کنند.

هورمون (Hormone): ترکیبی است که از غدد درون‌ریز بدن، آزاد شده و به وسیله‌ی سیستم گردش خون، به اندام‌ها یا بافت‌های هدف می‌رسد و با اثر بر روی این اندام‌ها و بافت‌ها، فعالیت آنها را تنظیم می‌کند.

اسپرم (Sperm): سلول جنسی مرد.

تکنیک‌های کمکی تولیدمثل (Assisted ReProductiv Techniques): روش‌های پیشرفته‌ی پزشکی که در امر درمان ناباروری به‌کار گرفته می‌شود و منظور از آن مراحل‌ی در تولیدمثل می‌باشند که مرتبط با بررسی آزمایشگاهی تخمک، اسپرم و جنین‌های بشری هستند.

قرارداد مادر جانشین (surrogacy agreement): قراردادی است که به موجب آن یک زن موافقت می‌کند جنینی را که از گامت مرد بیگانه یا گامتهای مرد و زن دیگری تشکیل شده است، در رحم خود حمل نموده و بچه را برای یک زوج (یا بندرت یک شخص منفرد) به دنیا آورد.

مادر جانشین (surrogate mother): زنی است که براساس توافق به عمل آمده، به وسیله‌ی تکنیک‌های کمکی تولیدمثل و با استفاده از جنین حاصل از اسپرم و تخمک زن و شوهر (زوج نابارور) یا تخمک خودش و اسپرم شوهر زوجه‌ی نابارور، گامت یا گامتهای اهدائی، باردار می‌شود.

زوج نابارور (Infertile couple): واژه‌ای است که وقتی یکی از زوجین نابارور باشد، به اجتماع وی با همسرش اطلاق می‌گردد. همسر وی ممکن است بارور یا نابارور باشد.

والدین حکمی (commissioning couple): زن و شوهری که خواستار فرزند هستند و بچه برای آنها به دنیا می‌آید. این دو ممکن است والدین ژنتیکی طفل باشند و یا یکی از آنها ارتباط ژنتیکی با طفل داشته باشد. به هر حال نوزاد از لحاظ ژنتیکی حداقل مرتبط به یکی از آنها است. به زن، مادر حکمی و به شوهر، پدر حکمی گفته می‌شود.

فراکاشتن (implant): قراردادن، جادادن و نشانیدن تخمک بارور شده در دیواره رحم جهت تغذیه است. در این مرحله، تخمک بارور شده به دیواره‌ی رحم می‌چسبد.

باروری (fertilisation, Insemination, conception): اتحاد ابتدائی یک تخمک و اسپرم، نفوذ اسپرم به داخل تخمک و پیوستن مواد ژنتیکی که منجر به تشکیل یک جنین می‌شود.

بارداری (Pregnancy): مدت پیشرفت زیستی جنین در رحم، از آبستنی تا تولد که معمولاً در انسان چهل هفته به طول می‌انجامد.

جاننشینی در بارداری (Gestational surrogacy): حالتی است که به موجب آن مادر جانشین به وسیله‌ی تکنیک‌های کمکی تولیدمثل و با استفاده از جنین حاصل از اسپرم و تخمک والدین حکمی، باردار می‌شود. در این حالت مادر جانشین هیچ ارتباط ژنتیکی با بچه ندارد.

بانک (Cryobank): مکانی است که بافت‌ها (اسپرم، تخمک یا جنین) به وسیله‌ی منجمدسازی در آن مکان حفظ و نگهداری می‌شوند.

منجمدسازی (Cryopreservation): مرحله‌ی عمیق منجمد کردن که برای حفظ و نگهداری اسپرم، اوول و یا جنین‌های اضافی تولید شده از درمان زوج‌های نابارور، مورد استفاده قرار می‌گیرد. این بافت‌های منجمد شده، پس از گرم کردن، مورد استفاده قرار می‌گیرد.

شستشوی اسپرم (sperm washing): عمل جدا کردن اسپرم از مایع تولید مثل مرد را گویند.

فصل دوّم

تلقیح مصنوعی با اسپرم شوهر

- مبحث نخست: نگاهی اجمالی به دیدگاه امامیه در تکثیر نسل
- مبحث دوّم: پیشینه‌ی فقهی موضوع
- مبحث سوّم: شرح مسأله و دلایل
- مبحث چهارم: جواز یا حرمت تلقیح با اسپرم شوهر
- مبحث پنجم: وجوب پوشش عورت از بیگانه و حرمت نظر
- مبحث ششم: تلقیح مصنوعی با اسپرم شوهر پس از انقطاع زوجیت
- مبحث هفتم: تعیین جنسیت در تلقیح مصنوعی
- مبحث هشتم: آثار فقهی و حقوقی تلقیح مصنوعی با اسپرم شوهر

مبحث نخست: نگاهی اجمالی به دیدگاه امامیه در تکثیر نسل

از آنجایی که تلقیح مصنوعی بیشتر، در جایی مطرح است که موانعی در توالد به شیوه‌ی طبیعی وجود دارد و در صورت وجوب یا حداقل استحباب تکثیر نسل بر انجام تلقیح مصنوعی تأثیرگذار بوده و جواز آن را تأکید می‌کند، لذا طرح این مطلب در ابتدای بحث خالی از لطف نخواهد بود.

از نظر موافقان تکثیر نسل انسانی و افزایش جمعیت، از آنجا که در دین اسلام بر بقاء نوع انسانی و حفظ نسل و افزودن بر تعداد مسلمانان تأکید شده، این مسأله بر جواز عمل تلقیح مصنوعی تأثیر گذاشته و علاوه بر مسأله‌ی خانواده و حفظ بقاء و استحکام آن به عنوان یک نهاد اجتماعی، حفظ جمعیت مسلمین از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. از نظر آنان، چون اسلام بر امر ازدواج به عنوان منشأ بقای نوع انسانی تأکید فراوان نموده است، انسان باید به بقاء نسل خود در راه رسیدن به کمال انسانی، بپندیشد. ازدواج شرعی مصالح بیشماری دارد که از مهمترین آنها حفظ نسل است و تأکید شارع بر امر نکاح در واقع تأکید بر مسأله‌ی تکثیر نسل می‌باشد.

آنان معتقدند اگر در بسیاری از منابع فقهی اشاره‌ای به این مطلب نشده است، به دلیل وضوح و روشنی مطلب بوده و حفظ نسل از مقاصد اساسی اسلامی است. در واقع، مقصود اولی از ازدواج، تناسل و بقای نوع انسانی است و امور دیگر مقاصد ثانوی به شمار می‌آیند.^۱ و اموری از قبیل: حرمت ازدواج با خویشاوند نزدیک، کراهت ازدواج با

۱. ابو اسحاق شاطبی، *المواقفات فی اصول الشریعه*، چاپ اول، انتشارات دارالمعرفه، بیروت، ۱۴۱۵ق، ج ۲، ص ۷ و ۸.

خویشاوندان غیر محرم، اختیار زن صالح... همگی به نوعی در جهت تأمین این اصل ضروری اسلام است.^۱

از نظر آنان، دلایل و شواهد بسیاری در آیات قرآن و منابع روایی و فقهی یافت می‌شود که اهتمام و تأکید شارع را بر آن نشان می‌دهد.

از آیاتی که این گروه به آن استناد کرده‌اند، می‌توان به آیات ذیل اشاره کرد:

۱. «بَايِهَ النَّاسِ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَنِسَاءً اتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي تَسَاءَلُونَ بِهِ وَالْأَرْحَامَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَيْكُمْ رَقِيبًا».^۲

۲. «وَلَا تَقْعُدُوا بِكُلِّ صِرَاطٍ تُوعِدُونَ وَتَصُدُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ مَنْ آمَنَ بِهِ وَتَبْغُونَهَا عِوَجًا وَاذْكُرُوا إِذْ كُنْتُمْ قَلِيلًا فَكَثَرْتُمْ وَاَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُفْسِدِينَ».^۳

۳. «وَاللَّهُ جَعَلَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا وَجَعَلَ لَكُمْ مِنْ أَزْوَاجِكُمْ بَنِينَ وَحَفَدَةً وَرَزَقَكُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ أَفَبَالْبَاطِلِ يُؤْمِنُونَ وَبِنِعْمَتِ اللَّهِ هُمْ يَكْفُرُونَ».^۴

در این آیات خداوند به خاطر ذکر نعمت فرزند بر انسان منت گذاشته و ترتب نعمت فرزند بر نعمت ازدواج، نشان دهنده‌ی مطلوبیت ازدیاد نسل است.^۵ بنابراین از مهمترین مقاصد اصلی ازدواج، فرزندآوری است؛ چرا که به واسطه‌ی همین امر است که اجتماع بشری و تعاون و همیاری میان انسانها برقرار گشته و امور آنها از طریق همین اجتماعات - که مهمترین آنها نظام خانواده است - تحقق می‌یابد.^۶

از جمله روایاتی که موافقان افزایش جمعیت برای مطلوبیت فرزندآوری و استحباب تکثیر نسل به آن استناد کرده‌اند، می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

۱. محمد بن علی بن حسین (صدوق) باسناده عن علی بن رئاب، عن محمد بن مسلم:

۱. الزین یعقوب الزبیر، موقف الشریعة الاسلامیة من تنظیم النسل، چاپ اول، انتشارات دار الجبل، بیروت، ۱۴۱۱ق،

ص ۲۴ و ۲۵ و ۵۸.

۲. سوره نساء، آیه ۱.

۳. سوره اعراف، آیه ۸۶.

۴. سوره نحل، آیه ۷۲.

۵. محمد القری بن عید، «مسئله تحدید النسل»، مجله المجمع الفقه الاسلامیہ، شماره ۵، جزء ۱، ۱۴۰۹، ص ۳۲۵.

۶. محمد حسین طباطبایی «علامه طباطبایی»، تفسیر المیزان، ۲۰ جلدی، چاپ ششم، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، ۱۴۲۱ق، ج ۱۴، ص ۳۱۷.

«انَّ ابا عبدالله (ع) قال: انَّ رسول الله (ص) قال: تزوجوا فاني مكاثر بكم الامم غدأ في القيامة»^۱.

امام صادق (ع) از رسول خدا (ص) نقل می‌کند که فرمودند: «ازدواج کنید که به وسیله‌ی ازدواج شما فردا [روز قیامت] به زیادی امت مباحات کنم».

این روایت صحیح می‌باشد و اگر چه در سند شیخ به علی بن رثاب به واسطه‌ی ابن ولید، سخنهایی هست، لکن طریق صدوق به علی بن رثاب صحیح می‌باشد.^۲

۲. محمد بن یعقوب (کلینی) عن عدة من اصحابنا، عن سهل، عن محمد بن يحيى، عن احمد بن محمد بن عيسى، و عن علي بن ابراهيم، عن ابيه، عن حسن بن محبوب، عن علي بن رثاب، عن ابي حمزه، عن جابر بن عبدالله قال: «سمعتُه يقول كنا عند النبي (ص) فقال: ان خير نسائكم الولود الودود العفيفه العزيزة في اهلها الذلية مع زوجها، الحصان على غيرها التي تسمع قوله و تطيع امره و اذا خلا بها بذلت له ما يريد منها و لم تبذل كتبذل الرجل».^۳

جابر بن عبدالله از پیامبر اکرم (ص) نقل می‌کند که فرمودند: «بهترین زنان، آنهایی هستند که دارای این مشخصات باشند: زنی که زیاد زایمان می‌کند، با محبت، با عفت، در خانواده‌اش عزیز باشد، با شوهرش با خضوع رفتار نماید و برای او خودش را جلوه و بروز دهد و در مقابل غیر شوهرش خودش را نگه دارد، آن زنی که حرف شوهرش را می‌شنود و اطاعت از او می‌کند و زمانی که با او همخوابی می‌کند و خودش را در اختیار او قرار می‌دهد، مردانه (خشن) خودش را در اختیار همسرش قرار ندهد».

از نظر آیت الله العظمی خوئی، سند حدیث خالی از اشکال است و ابی حمزه مذکور در روایت ابی حمزه ثمالی می‌باشد.^۴

۳. محمد بن یعقوب عن عدة من اصحابنا، عن احمد بن محمد و سهل بن زياد، جميعاً عن ابن محبوب، عن عبدالله ابن سنان، عن ابي عبدالله (ع) قال: «جاء رجل الى رسول الله (ص) فقال:

۱. محمد بن حسن بن علي العاملي «حر عاملي»، وسائل الشيعه، ۳۰ جلدی، چاپ سوم، مؤسسه آل البيت (ع) لاحياء التراث، قم، ۱۴۱۶، ج ۱۴، الباب ۱ من ابواب مقدمات النكاح، ح ۲، ص ۳.
 ۲. ابو القاسم الموسوي الخويي، معجم الرجال الحديث، چاپ پنجم، مکتبه النشر الثقافه الاسلاميه، [بي‌جا]، ۱۴۱۳، ج ۱۲، ص ۱۴.
 ۳. حرّ عاملي، پیشین، ج ۱۴، الباب ۶ من ابواب مقدمات النكاح، ح ۲، ص ۱۴.
 ۴. ابوالقاسم الموسوي الخويي، پیشین، ج ۴، ص ۱۶ و جلد ۲۱، ص ۱۳۵.

یا نبی الله ان لی ابنة عم قد رضیتُ جمالها و حسنها و دینها و لکنها عاقر فقال: لاتزوَّجها، ان یوسف بن یعقوب لقی اخاه فقال: یا اخی کیف استطعت ان تزوج النساء بعدی؟ فقال: ان ابی امرنی فقال: ان استطعت ان تكون لک ذریه تتقل الارض بالتسییح فافعل. قال: و جاء رجل فی الغد الی النبی (ص) فقال له مثل ذلك فقال له: تزوج سواد و لوداً فانی مکاتر بکم الامم یوم القیامة قال: فقلت لابی عبدالله (ع): ماالسوداء؟ قال: القبیحة»^۱.

از امام صادق (ع) آمده که فرمود: مردی نزد پیامبر آمد و گفت ای پیامبر خدا، من دختر عمومی دارم که از نظر زیبایی و حسن دینش او را پسندیده‌ام و لکن نازاست، سپس پیامبر فرمود: با او ازدواج نکن، پیامبر فرمود: یوسف زمانی که برادرش را دید و ملاقات کرد به او گفت ای برادر چطور توانستی بعد از من زن بگیری؟ برادرش گفت پدرم به من امر کرد. پدرم گفت: فرزندی اگر می‌توانی نسل و ذریه‌ای بسازی که آنها زمین را به واسطه‌ی تسییح سنگین کنند، پس انجام بده. فردا مردی دیگر نزد پیامبر (ص) آمد و مثل این جریان را به پیامبر (ص) گفت. پس پیامبر (ص) فرمود: با زن سواد ازدواج کن که زایمان کند که من در روز قیامت به زیادی امت خودم افتخار می‌کنم. سپس از امام صادق (ع) سؤال شد که مراد از سواد چیست؟ امام (ع) فرمود: یعنی زشت رو.

۴. «محمد بن علی بن حسین (صدوق) باسناده عن عمرو بن شمر، عن جابر، عن ابی جعفر

الباقر (ع) قال: قال (ص): ما یمنع المؤمن ان یتخذ اهلاً لعل الله یرزقه نسمة تتقل الارض بلا اله الا الله...»^۲.

از امام باقر (ع) نقل شده است که رسول الله (ص) فرموده: «چه چیزی مؤمن را باز می‌دارد از اینکه همسری را اختیار کند. امید است خدای تعالی فرزندی به او روزی دهد که آن فرزند زمین را به لا اله الا الله سنگین کند».

۵. محمد بن یعقوب، عن محمد بن یحیی، عن سلمه بن الخطاب، عن الحسن بن علی بن

یقظین، عن یونس بن یعقوب، عن رجل، عن ابی الحسن (ع)، قال: «سمعتُه یقول: سعد امرء لم

۱. حر عاملی، پیشین، ج ۱۴، الباب ۱۵ من ابواب مقدمات النکاح، ح ۲، ص ۳۲.

۲. همان، الباب ۶ من ابواب مقدمات النکاح، ح ۳، ص ۳.

یمت حتی یری خلقاً من نفسه»^۱.

مردی از امام رضا(ع) نقل می‌کند: که از حضرت شنیدم که فرمود: «از سعادت شخص این است که نمیرد مگر اینکه اولادش را ببیند».

و روایاتی دیگر از این قبیل که از مجموعه آنها، استحباب نکاح، توصیه‌های شرع مقدس به امر ازدواج، ازدواج با زن باکره، عقیق و پاکدامن، ولود و زاینده، نهی از ازدواج با زن عقیم و... استنباط می‌گردد.

اما باید گفت که آیات بر نعمت بودن ازدواج، تشکیل خانواده و فرزند داشتن تأکید دارند و تنها در مقام بیان مطلوبیت کثرت به هر نحو و تحت هر شرایطی نیستند و هیچ گونه تحدید عددی نسبت به کثرت یا قلت فرزند ندارند. در مقابل آیاتی هم که کثرت را مطلوب می‌دانند آیاتی وجود دارد که شامل مذمت است؛ چنانکه در مورد کفار و گمراهان می‌فرماید:

«كَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ كَانُوا أَشَدَّ مِنْكُمْ قُوَّةً وَ أَكْثَرَ أَمْوَالًا وَ أَوْلَادًا... أُولَئِكَ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ وَ أُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ»^۲ و یادر مورد برخی مشرکان می‌فرماید:

«ذَرْنِي وَ مَنْ خَلَقْتُ وَحِيدًا وَ جَعَلْتُ لَهُ مَالًا مَمْدُودًا... سَأَرْهِقُهُ صُعُودًا...»^۳.

در این آیات خداوند کفار و مشرکان را سرزنش نموده در حالی که به آنها فرزندان زیاد به نعمت داده بود و افزون بر این آیاتی وجود دارد که نشان می‌دهند فرزندان همیشه مایه خیر و برکت برای انسان نیستند. از جمله:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ مِنْ أَزْوَاجِكُمْ وَ أَوْلَادِكُمْ عَدُوًّا لَكُمْ فَاحْذَرُوهُمْ...»^۴.

که این آیه اشعار دارد به اینکه فرزندان گاهی مواقع دشمن انسان می‌شوند. در قرآن آیات دیگری هم به این مطلب اشعار دارد. در تفسیر المنار ذیل آیه شریفه:

«إِنَّ اللَّهَ لَا يَسْتَحِبُّ أَنْ يُضْرَبَ مَثَلًا... وَ مَا يُضِلُّهُ بِهَ الْآلِ الْفَاسِقِينَ»^۵. آمده است: «آیه اشعار

دارد به اینکه هدایت یافتگان در کثرت و فزونی مانند گمراهان هستند با اینکه گمراهان از

۱. همان، الباب ۱، ح ۹، ص ۳۴.

۲. سوره توبه، آیه ۶۹.

۳. سوره مدثر، آیات ۱۱-۲۰.

۴. سوره تغابن، آیه ۱۴.

۵. سوره بقره، آیه ۲۶.

حیث تعداد برتری دارند و جهت برابر بودنشان آن است که مؤمنان هدایت یافته، با وجود کمی تعداد، بیشترین فایده و نفع را دارند»^۱.

بنابراین علاوه بر کثرت فرزندان، باید به صلاح و نیکویی آنان نیز نظر داشت.^۲ در مورد روایات هم باید گفت احادیث بر عدم قطع نسل دلالت دارد؛ یعنی اگر ترغیبی وجود دارد، متوجه حصول نسل و ولد است و اگر نهی است، نهی از عدم آن است. پس به این معنی نیست که تنها منظور افزودن تعداد فرزندان باشد.

مبحث دوم: پیشنهادی فقهی موضوع

تلقیح مصنوعی از موضوعاتی است که هیچ نصّ خاصی در مورد آن وارد نشده و مسائل حقوقی خاصی در آن مطرح است که هیچ سابقه‌ای در نظام حقوقی کشورهای اسلامی نداشته و به ناچار باید به دنبال نصوص عام و اصول کلی گشت؛ چرا که اصول و قواعد از طرف پیشوایان - علیهم السلام - بیان شده و برما لازم است که جزئیات را از آنها استخراج کنیم.

در روایات و ابواب فقه، این بحث تحت عنوان «ادخال منی» مطرح است البته با اصول فقه و کلیات فقهی شیعه مثل قواعد باب نسب، الحاق ولد، عدّه، استبرای کنیز و... و روایات و آیاتی که در مورد شیوه‌های غیر طبیعی تولیدمثل است، می‌توان بسیاری از احکام و آثار باروری مصنوعی را استنباط کرد.

آنچه در مباحث فقهی در این خصوص یافت می‌شود، فروع و مشتقات بحث تلقیح مصنوعی است. مثلاً:

الف) باب اکتساب به اعیان نجس، که از جمله می‌توان به بیع «عسیب الفحل»^۳ یعنی فروش منی حیوان قبل از استقرار در رحم، «بیع ملاقیح»^۴ یعنی فروش منی خارج شده از

۱. محمد رشید رضا، *تفسیر الحکیم‌الشهیر بتفسیر المنار*، چاپ اول، دارالمعرفه، بیروت، [بی‌تا]، ج ۱، ص ۲۳۹.

۲. ربك: احمد الشریصی، *الدین و تنظیم الاسره*، چاپ اول، [بی‌تا، بی‌جا]، ۱۳۸۵ق، ص ۳۹-۴۵.

۳. حر عاملی، *پیشین*، ج ۱۲، ص ۶۵، ح ۳.

۴. همان، ص ۲۶۲، ح ۲.